

بررسی تاریخی حضور و شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام در مقتل های عاشورا

دکتر علی فارسی مدان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

چکیده

حضرت علی بن حسین بن علی علیه السلام، معروف به علی اکبر علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام و از شهدای کربلاست. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که روایت شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام در مقاتل عاشورا چگونه پرداخته شده است؟ براین اساس مقاله حاضر به بازشناخت تاریخی حضور تا شهادت ایشان در متون تاریخی و مقاتل خواهد پرداخت. در مقاتل از ایشان به عنوان نخستین شهید از بنی هاشم و اهل بیت علیهم السلام و شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام برده شده است. امام حسین علیه السلام بعد از شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام بر بالین ایشان حاضر شد و صورت بر صورت فرزند گذاشت و در حالی که گریه می کرد قاتلین ایشان را نفرین کرد.

کلیدواژه ها: امام حسین علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، عاشورا، مقتل.

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر و نویسنده. Alifarsimadan98@gmail.com

یکی از مصیبت‌های بزرگ و تلخ واقعه عاشورا، شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام است که غم بزرگی را برای امام حسین علیه السلام بر جای گذاشت تا جایی که امام علیه السلام بعد از شهادت ایشان فرمود: «عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا»، «پسرم! دیگر پس از تو خاک بر سر دنیا و زندگی دنیا» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۰۶). این سخن امام علیه السلام نشان دهنده تربیت درست در خانواده ارزشی و منزلت بزرگ ایشان است. حضرت علی اکبر علیه السلام شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بهترین الگوی مناسب برای جوانان نسل امروزی در مسائل گوناگونی مانند تربیت دینی، بصیرت و دانش، اراده و همت بالا، صبر و استقامت، حق‌مداری، اخلاص و مانند اینها است.

این جستار با روش توصیفی و تحلیل در منابع کتابخانه‌ای به بررسی ویژگی‌های شخصیتی حضرت علی اکبر علیه السلام از آغاز تا شهادت بر اساس منابع معتبر تاریخی و متون مقاتل عاشورا می‌پردازد و در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است: آیا حضرت علی اکبر علیه السلام ازدواج کرده است؟ آیا خواب انبیاء و اولیای الهی حجت است؟ اولین فردی که از اهل بیت علیهم السلام عازم میدان نبرد شد، کیست؟ مقصود از «ثقل الحديد أجهدي» در کلام حضرت علی اکبر علیه السلام چیست؟ آیا ماجرای مکیدن زبان حضرت علی اکبر علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام در کربلا درست است؟

مفهوم شناسی مقتل

مقتل به معنای جای کشتن و زمینی که در آنجا کسی کشته شده باشد (محل قتل) و یا همان قتلگاه است (دهخدا؛ معین، ذیل مدخل). با توجه به معنای لغوی، مقتل امام حسین علیه السلام به کتاب‌هایی گفته می‌شود که به شرح ماجرای شهادت و مصیبت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و واقعه عاشورا می‌پردازند. بنابراین مقتل هم به معنای محل قتل است، هم کتابی که درباره شرح قتل حسین بن علی علیه السلام و واقعه کربلا نوشته شده باشد. در *الدریعة* کتاب‌های مقتل که به حادثه کربلا پرداخته‌اند، آورده شده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۲ / ۲۱-۲۹). نگارش مقتل نویسی با انگیزه زنده نگهداشتن یاد



حادثه عاشورا و شهدای کربلا، از صدر اسلام تا کنون است (محدثی، ۱۳۷۶: ۴۳۱).
براین اساس بخش مهمی از تاریخ‌نویسی در حوزه‌های شیعی در چند سده اخیر،
مقتل‌نویسی است (نک. جعفریان، ۱۴۲۳: ۳۶-۳۸).

معرفی حضرت علی اکبر علیه السلام

الف) ولادت

تاریخ ولادت علی اکبر علیه السلام در کتاب‌های مقاتل محل اختلاف است. در مقاتل
الطالبيين، زمان ولادت ایشان دوره خلافت عثمان ذکر شده اما سال ولادت نیامده است
(ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۷). حسام‌الدین محلی (۱۴۲۳: ۱/۲۰۱)، از علمای مشهور
یمن که در سال ۶۵۲ قمری به شهادت رسید، در کتاب *الحدائق الوردية* می‌گوید؛ حضرت
علی اکبر علیه السلام دو سال از خلافت عثمان باقی مانده، متولد شد. عثمان در سال ۳۵ قمری
فوت کرد، بنابراین حضرت علی اکبر علیه السلام بنا بر نقل کتاب *الحدائق الوردية* سال ۳۳ قمری
متولد شد. صاحب *اعیان الشیعه* سال ولادت ایشان را ۳۵ یا ۴۱ قمری (امین، ۱۴۰۳: ۸/
۲۰۶) و *مقتل مرقم* (۱۴۲۶: ۲۶۷)، یازدهم شعبان سال ۳۳ قمری ثبت کرده‌اند.

ب) شهادت

اینکه حضرت علی اکبر علیه السلام سال ۶۱ هجری در واقعه کربلا به همراه امام حسین علیه السلام به
شهادت رسید، شک و تردیدی وجود ندارد (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ مصعب، ۱۹۹۹: ۵۷؛
مجلسی، ۱۳۸۹: ۹۹۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ مرقم، ۱۴۲۶: ۲۶۷؛ ابن‌رسان،
۱۴۰۶: ۱۵۰؛ ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۶۸). اما در مورد سن شهادت ایشان اختلاف است. برخی سن
ایشان را ۱۸ سال آورده‌اند (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲/۳۴؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/
۱۰۹). شیخ مفید (۱۴۱۳: ۲/۱۰۶) سن را ۱۹ سال و مرقم (۱۴۲۶: ۲۶۷) ۲۷ سال بیان
کرده‌اند. *مثیر الاحزان*، سن شهادت را درست و دقیق نقل نکرده و گفته سن ایشان بیشتر از
۲۰ سال است (ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۶۸). علامه مجلسی (۱۳۸۲: ۶۸۰) می‌گوید، در آن وقت
۱۸ سال از عمر شریفش گذشته بود و بیست و پنج سال نیز گفته‌اند، و اول اصح است.

دلیل این پراکنده‌گویی و اختلاف نظر، بخاطر عدم اطلاع دقیق و درست از ولادت ایشان می‌باشد.

ج) مادر

در کتاب نسب قریش، نام مادر حضرت علی اکبر علیه السلام، آمنه نوشته شده است (مصعب، ۱۹۹۹: ۵۷) در حالی که سایر مورخان و مقتل نویسان نام مادر ایشان را لیلی بنت ابي مرة بن عروة ذکر کرده‌اند (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۹۹؛ شایو، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۵۸؛ ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶).

د) ازدواج

برخی از مقتل نویسان و تاریخ نگاران که به موضوع ازدواج علی اکبر علیه السلام پرداخته‌اند، معتقدند حضرت، ازدواج نکرده و نسلی از ایشان باقی نمانده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ علوی، ۱۴۲۲: ۲۸۱). برخی دیگر با استناد به برخی روایات و زیارات که در ادامه می‌آید قائلند که ایشان ازدواج کرده و صاحب نسل است. حسام الدین حمید بن احمد محلی از علمای بنام یمن، متوفای سال ۶۵۲ قمری از قائلین آن است (محلی، ۱۴۲۳: ۱ / ۲۰۱). شایو در کتاب مع الרכب الحسيني من المدينة إلى المدينة (شایو، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۶۴)؛ شیخ عباس قمی در کتاب نفس المهموم (قمی، ۱۳۷۹: ۲۸۵) گروهی از نویسندگان در موسوعة الإمام الحسين (۱۳۷۸: ۱۲ / ۱۰۶۷) این نظریه را پذیرفته‌اند. حتی همسر ایشان را أم ولد ذکر کرده‌اند.

۱. حمیری در قرب الإسناد نقل می‌کند، راوی از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا کسی می‌تواند و جایز است با ام ولد (کنیز) پدر خانمش، ازدواج کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اشکال ندارد. سپس پرسید، از پدرت شنیدم که فرمود امام سجاد علیه السلام علاوه بر ازدواج با دختر امام حسن علیه السلام با ام ولد (کنیز صاحب فرزند) ایشان نیز ازدواج کرد؟ امام علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، إِنَّمَا تَزَوَّجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَةَ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأُمُّ وَوَلَدٍ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمَقْتُولِ عِنْدَكُمْ؛ این طور که گفتم، نیست؛ امام سجاد علیه السلام با دختر امام حسن علیه السلام ازدواج کرد و با ام ولد (کنیز صاحب فرزند) برادرش علی بن الحسين که در

کربلا کشته شد، ازدواج نمود» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۶۹-۳۷۰).

۲. در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام که ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «... ثُمَّ صِرَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَهُوَ عِنْدَ رَجُلٍ الْحُسَيْنِ... ثُمَّ صَعَّ خَدَّكَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ثَلَاثًا بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي...»... سپس به طرف قبر علی بن الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین علیه السلام می باشد... سپس صورت بر قبر بگذار بگو: خدا تو را رحمت کند ای ابالحسن، پدر و مادرم فدایت...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۹۸). و یا در فرازی دیگر از این زیارت آمده است: «... صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَثْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ؛ رحمت بفرستد خدا بر تو و بردودمان و عترت و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۹-۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۹۸). از عبارات **أَبَا الْحَسَنِ،** **أَبْنَائِكَ** و **عَثْرَتِكَ** استفاده می شود که حضرت علی اکبر علیه السلام دارای فرزند بوده است.

معنای عترت

عترت در لغت به معنای خویشاوندان نزدیک، خصوصی و ذریه است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۷۷/۳). در مجمع البحرین آمده، ابن الأعرابی می گوید: «اولاد و ذریه مرد، بدین خاطر عترت و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله شامل فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می باشد» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۹۵) و یا در تاج العروس آمده، «عترت: نسل مرد و خویشاوندان نزدیک است» (حسینی، ۱۴۱۴: ۱۸۶/۷). بنا بر تعاریف کُتب لغت، عترت؛ اهل بیت، اولاد و ذریه افراد است. پس اگر فردی ذریه نداشته باشد استعمال عترت برای او صحیح نیست؛ در حالی که این عبارت توسط امام علیه السلام صادر شده که عارف به موضوع است (شاوی، ۱۳۸۶: ۴/۳۶۴). این کلام دلالت می کند که حضرت علی اکبر علیه السلام ازدواج کرده و صاحب نسل و فرزند است. همچنین لفظ **أبناء** در زیارت، دلالت بر بیشتر از دو فرزند می کند (همان).

ویژگی های حضرت علی اکبر علیه السلام

در مقاتل برای حضرت علی اکبر علیه السلام خصوصیات و ویژگی هایی بر شمرده اند. ایشان از

نظر جسمی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به جدش علی عَلِيٌّ در نام و شجاعت و در تعصب به حق به او شباهت داشت (شبر، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۷۵) البته از نظر منطق، سیره و منش نیز به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شباهت داشت (سماوی، ۱۳۷۷: ۴۹؛ شبر، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۷۴؛ امین، ۱۴۰۳: ۸/ ۲۰۶) و یکی از بهترین مردم بود (قمی، ۱۳۷۹: ۲۷۹؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۵۱؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲/ ۴؛ شبر، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۷۵؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۲).

شیخ مفید (۱۴۱۳: ۲/ ۱۰۶) ایشان را از زیباترین مردم آن زمان دانسته و علامه مجلسی (۱۳۸۲: ۶۸۰) می‌گوید، ایشان در حسن و جمال و فضل و کمال عدیل خود نداشت، و به صورت شبیه‌ترین مردم بود به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و هرگاه اهل مدینه مشتاق لقای آن حضرت می‌شدند به نزد آن امام زاده عظیم‌المثال می‌آمدند و به جمال با کمالش نظر می‌کردند. مقرر (۱۴۲۶: ۲۶۷) نیز می‌گوید: «كان مرآة الجمال النبوی و مثال خلقه السامی و انموذجا من منطقه البلیغ؛ آینه جمال نبوی و نمونه خلقت متعالی و الگوی منطق شیوایی است». شاعر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شأن و مدح ایشان چنین سروده بود:

وأحسن منك لم ترقعینى وأجمل منك لم تلد النساء
خلقت مبرّءاً من كل عیب كأنك قد خلقت كما تشاء^۱

آورده‌اند معاویه در مجلسی گفت: سزاوارترین مردم در این امر (یعنی امر حکومت و خلافت) کیست؟ حاضرین گفتند: تو. گفت: نه، نزدیکترین مردم به این امر، علی بن الحسین بن علی عَلِيٌّ است، جدش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در او شجاعت بنی هاشم و سخاوت بنی امیه و فخر ثقیف^۲ است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ شبر، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۷۴؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۴۹؛ قمی، ۱۳۷۹: ۲۸۵).

أبی عبیده و خلف الأحمر گفتند ابیاتی در مدح علی بن الحسین الأكبر عَلِيٌّ سروده شده که دو بیت آن چنین است:

لم تر عین نظرت مثله من محتف یمشی و من ناعل

۱. و بهتر از تو که چشمان من هرگز ندیده و زیباتر از تو زنانی به دنیا نیاورده است. تو فارغ از هر عیب و نقصی آفریده شده‌ای که گویی آنگونه که می‌خواهی آفریده شده‌ای.
۲. نام یکی از قبایل عرب ساکن در شهر طائف.

لا یؤثر الدنیا علی دینه و لا یبیع الحق بالباطل
 شما هرگز مانند او را از جشن راه رفتن و از کفش ندیده‌اید. بردین خود بردنیا تأثیر
 نمی‌گذارد و حق را به باطل نمی‌فروشد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶).

کرامت و اعجاز

علی اکبر علیه السلام در دامان شخصیتی همچون امام حسین علیه السلام تربیت شده‌اند. مقتل
 نویسان و مورخان یک معجزه و کرامت از حضرت علی اکبر علیه السلام در دوران کودکی ایشان
 ثبت نموده‌اند که بیانگر جایگاه و شأن ایشان است. زفر بن یحیی از کثیر بن شاذان نقل
 می‌کند: خودم شاهد بودم که حضرت علی اکبر علیه السلام در غیر فصل مناسب، از امام
 حسین علیه السلام انگور طلب کرد. ناگهان امام علیه السلام با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور و
 موزی از آن خارج شد و به فرزند خود خورانیده و فرمود: «مَا عِنْدَ اللَّهِ لِأَوْلِيَائِهِ أَكْثَرُ؛ از آن چه
 نزد خدای متعال است به اولیانش بیشتر می‌رسد» (حسینی حائری، بی تا: ۲۶۰؛ طبری
 آملی، ۱۴۱۳: ۱۸۳؛ همو، ۱۴۲۷: ۲۴۳؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۳۱؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۵۲؛
 عطاردی قوجانی، ۱۳۷۶: ۱/ ۶۹؛ سپهر، ۱۴۲۷: ۴/ ۲۵۵؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۵۹؛
 موسوعة الإمام الحسين، ۱۳۷۸: ۲۱/ ۱۴۱۹).

تفسیر بیت حافظ در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام

علامه سید محمد حسین تهرانی در کتاب روح مجرد نقل می‌کند: معمولاً در تهران، هر
 واعظی را که برای یک دهه برای منبر رفتن در مجلسی دعوت می‌کردند، در شب آخری
 را برای همان دهه از سال دیگر نیز دعوت می‌کردند. در آخرین سالی که مرحوم حاج سید
 ضیاء الدین دُرّی در قید حیات بود، یک شب از دهه محرم (شب هشتم یا نهم) جوانی از
 ایشان قبل از منبر سوال می‌کند: مراد از این شعر (حافظ، ۱۳۷۹: ۱۶۹) چیست؟

مرید پیر مُغانم زمن مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی داد بجای آورد
 مرحوم دُرّی گفت: جواب این سوال را در بالای منبر می‌دهم تا برای همه قابل استفاده
 باشد. ایشان در فراز منبر از قضیه نهی آدم ابوالبشر از خوردن گندم و داستان نان جوین

خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام را در تمام مدّت درازای عمر بیان کرد و حتّی اینکه آن حضرت در تمام مدّت عمر ابداً نان گندم نخورد و از نان جوین سیر نشد. و سپس گفت: مراد از شیخ در این بیت، حضرت آدم علیه السلام است که وعده نخوردن از شجره گندم را در بهشت داد ولی به آن وفا نکرد و از امر خداوند سرپیچی نمود و گندم را تناول کرد و مراد از پیر مغان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در تمام مدّت عمر نان گندم نخورد، و وعده عدم تناول از شجره گندم را او ادا کرده و به اتمام رسانید. با این تفسیر وی منبرش را خاتمه داد. قبل از پایان سال، مرحوم درّی فوت می‌کند و در سال بعد، در دهه محرم در آن مجلس مدعوّی که باید حضور داشته باشد، نمی‌تواند شرکت نماید. درست در سال بعد در دهه محرم در همان شبی که این جوان سوال را از مرحوم درّی می‌کند، وی را در خواب می‌بیند که مرحوم درّی به نزد او آمد و گفت: ای جوان! تو در سال قبل در چنین شبی از من معنی این بیت را پرسیدی و من آن‌طور پاسخ گفتم. اما چون بدین عالم آمده‌ام، معنی آن، طور دیگری برای من منکشف شده است:

مراد از شیخ حضرت ابراهیم علیه السلام است، مراد از پیر مغان حضرت سیدالشهداء علیه السلام؛ و مراد از وعده، ذبح فرزند است که حضرت ابراهیم علیه السلام بدان امر خداوند وعده وفا داد، اما حقیقت وفا را حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در کربلا به ذبح فرزندش حضرت علی علیه السلام اکبر علیه السلام انجام داد (تهرانی، ۱۴۲۹: ۴۲۸-۴۸۵).

تبیین نهضت حسینی

از نقش‌های مهم حضرت علی اکبر علیه السلام در واقعه کربلا که مقتل نویسان و تاریخ نگاران به آن پرداخته‌اند، تبیین نهضت حسینی در جهت روشن نمودن افکار عمومی، به اثبات حقانیت امام حسین علیه السلام و قیام حسینی است.

ابومخنف از عقبه بن سمعان روایت کرده، سحرگاه شبی که امام حسین علیه السلام در کنار کاخ بنی مقاتل به سربرد، به ما دستور داد آب برگیریم و سپس فرمان حرکت داد و ما حرکت نمودیم. راوی می‌گوید: هنگامی که از کاخ بنی مقاتل گذشتیم، خواب خفیفی بر حضرت عارض شد و سپس در حالی که جمله: «انا لله وانا الیه راجعون، والحمد لله رب

العالمین» را برزبان داشت از خواب بیدار شد و آن را دو یا سه بار تکرار کرد. فرزندش علی بن حسین علیه السلام در حالی که براسب خود سوار بود، نزد پدر آمد و عرضه داشت: پدر! فدایت شوم! چرا کلمه استرجاع اِنَّا لِلّٰهِ برزبان آوردی و خدا را سپاس گفتی؟! امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

يَا بُنَيَّ إِنِّي خَفَقْتُ بِرَأْسِي خَفَقَةً فَعَنَّ لِي فَارِسٌ عَلَى فَرَسٍ فَقَالَ: الْقَوْمُ يَسِيرُونَ وَالْمَنَائِيَا تَسْرِي إِلَيْهِمْ. فَعَلِمْتُ أَنَّمَا أَنْفُسُنَا نُعِيثُ إِلَيْنَا!؛

فرزندم! اندکی به خواب رفتم، در خواب اسب سواری را دیدم که بانگ برآورد و گفت: این کاروان در حرکت است و مرگ در تعقیب آن هاست، دانستم که این ندا، خبر شهادت ماست».

حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت: «پدر جان! خدا حادثه بدی برایتان پیش نیاورد مگر ما برحق نیستیم؟». حضرت فرمود: «آری، سوگند به آن کس که بازگشت بندگان به سوی اوست! ما برحقیم». سپس جوان رعناى امام حسین علیه السلام فرمود: «يَا أَبَتِ إِذَا لَا نُبَالِي؛ نَمُوتُ مُحَقِّقِينَ!؛ پدر! اگر قرار است بمیریم، از مرگ چه باک». امام حسین علیه السلام با شنیدن این جواب فرمود: «جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ خَيْرَ مَا جَزَى وَلَدًا عَنْ وَالِدِهِ؛ خداوند به توبهترین پاداش فرزندی را عنایت کند» (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۷۶).

این ماجرا در کتب دیگر همچون، *ابصار العین* (سماوی، ۱۳۷۷: ۴۹-۶۰)؛ *تاریخ الطبری* (طبری، بی تا: ۴۰۷ / ۵)؛ *مقاتل الطالبیین* (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۲)؛ *جلاء العیون* (مجلسی، ۱۳۸۲: ۶۳۹)؛ *سلحشوران طف* (سماوی، ۱۳۸۸: ۶۲)؛ *مع الרכب الحسینی* (شاوی، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۸۳)؛ *ذخیره الدارین* (حسینی حائری، بی تا: ۲۶۰) و *مسند الإمام الشهید* (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۶۱) نقل شده است. البته در *مقتل الحسین علیه السلام* (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۲۴) و *مناقب آل أبی طالب علیه السلام* (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۹۵) آمده این اتفاق در «ثعلبیه» روی داده که باتوجه به گزارش بیشتر مقتل نویسان و مورخان درست نیست.

در این واقعه دو نکته قابل تأمل است. اول آنکه خواب اولیای الهی به سبب فراغت نفس از تمنیات و تمایلات دنیوی به حقیقت تعبیر می شود و راه گشای آینده آنها است. با

اینکه به واقع این حالت امام علیه السلام، نوم و خواب نبوده؛ بلکه حالت منامیه سالکان الی الله تعالی است که در حالت بیداری پرده از چشمان آنها زدوده می شود و حقایق را آشکار می بینند (آقاتهرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۷). دوم حق گرایی حضرت علی اکبر علیه السلام، پاسخگویی این اشتباه دوران نومدرن^۱ است که امروزه گاه حق را بر نمی تابند و می گویند: دوست نداریم! آری بیان آن جناب، جست و جویی جدی برای یافتن حقیقت است. امام علیه السلام فرمود: آری ما برحقیم و علی اکبر علیه السلام فرمود: پس، از مرگ باکی نداریم، چون برحق استواریم (آقاتهرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

هم چنان که در قرآن کریم ذیل آیه «قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ»؛ [حضرت ابراهیم به حضرت اسماعیل فرمود:] پسر من! من در خواب دیدم که تورا ذبح می کنم» (صافات / ۱۰۲). این سؤال مطرح می شود؛ چگونه خواب ابراهیم می توانست حجت باشد؟ در پاسخ به این سؤال گفته می شود، خواب های انبیاء هرگز خواب شیطانی، یا مولود فعالیت قوه واهمه نیست بلکه گوشه ای از برنامه نبوت و وحی آنها است و به تعبیر دیگر ارتباط انبیاء با مصدر وحی گاهی به صورت القاء به قلب؛ گاهی از طریق دیدن فرشته وحی؛ گاهی از راه شنیدن امواج صوتی که به فرمان خدا ایجاد شده و گاهی از طریق خواب است. به این ترتیب در خواب های آنها هیچگونه خطا و اشتباهی رخ نمی دهد و آنچه در خواب می بینند درست همانند چیزی است که در بیداری می بینند. و گفته شده که ابراهیم علیه السلام در حال بیداری از طریق وحی آگاهی یافت که باید به خوابی که در زمینه «ذبح» می بیند عمل کند. و گاهی گفته اند قرائن مختلفی که در این خواب بود، و از جمله اینکه در سه شب متوالی عینا تکرار شد، برای او علم و یقین ایجاد کرد که این یک مأموریت الهی است. به هر حال همه این تفسیرها ممکن است صحیح باشد و منافاتی با هم ندارد و مخالف ظواهر آیات نیز نمی باشد (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۹/۱۲۲).

اولین شهید کربلا از خاندان اهل بیت علیهم السلام

وقتی یاران امام حسین علیه السلام شهید شدند و کسی جز خاندانش یعنی فرزندان

امیرالمؤمنین علیه السلام، فرزندان جعفر، فرزندان عقیل، فرزندان حسن علیه السلام و فرزندان خودش باقی نماند، «اهل بیت علیهم السلام جمع شدند و باهم دیگر وداع کردند و عزم بر جنگ کردند» (فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۴۵؛ قمی، ۱۳۷۹: ۲۷۶؛ حسینی حائری، بی تا: ۳۱۸؛ اخطب خوارزم، ۱۳۸۸: ۱۴۸). اما سؤال این است، اولین فردی که از اهل بیت علیهم السلام عازم میدان نبرد شد، کیست؟ در پاسخ به این سؤال دو نظر وجود دارد:

نخست: اولین کسی که از خاندان امام علیه السلام به جنگ رفت، عبدالله پسر مسلم بن عقیل بود (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۳۰/۲؛ مجلسی، ۱۳۸۹: ۹۲۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۳۲/۴۵؛ حائری، ۱۴۱۸: ۳۰۲/۲؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۱۰/۵).

دوم: اولین شهید کربلا از خاندان امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام است (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۸۶؛ مرقم، ۱۴۲۶: ۲۶۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶؛ طبری، بی تا: ۴۴۷/۵).

با استدلال به موارد ذیل به نظرمی رسد، اولین شهید کربلا از خاندان امام حسین علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام باشد:

۱. برخی تصریح کرده اند شهید اول از اهل بیت علیهم السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام و شهید دوم جناب عبدالله بن مسلم می باشد (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲؛ طبری، بی تا: ۴۴۷/۵؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶). این نظر قائلین بسیار و معتبری دارد.

۲. در فرازی از زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام، ایشان به عنوان اولین مقتول و شهید کربلا توصیف شده: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَوْلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ؛ سلام بر تو ای اولین مقتول از اولاد بهترین ذریه از نسل ابراهیم خلیل» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۷؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۷۳/۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۹۸).

به میدان رفتن حضرت علی اکبر علیه السلام

همانطور که ذکر شد اولین نفری که از خاندان اهل بیت علیهم السلام عازم میدان شد؛ حضرت

۱. اجتمعوا یودع بعضهم بعضا وعزموا علی الحرب.

علی اکبر علیه السلام بود. صاحب کتاب *مع الركب الحسينی* در مورد اعزاز ایشان به میدان نبرد می‌گوید: «وصفی که بخواهد او را به گونه‌ای وصف کند که عظمت و مقام بلند مرتبه او را آشکار سازد و بیان کند، وجود ندارد مگر وصف جامعی که با آن امام حسین علیه السلام او را توصیف کرد: پسری [را به میدان می‌فرستم] که شبیه‌ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله صلی الله علیه و آله است» (شای، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۵۵). مقتل لهوف می‌گوید: «چون همه اصحاب به شهادت رسیده و جزا اهل بیت امام علیه السلام به جای نماندند، علی بن الحسین علیه السلام که از همه مردم زیباروی‌تر و از نظر اخلاق از همه نیکوتر بود- از پدرش کسب اجازت کرد و امام علیه السلام وی را رخصت داد» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۲-۱۱۳). اما این اجازه، اجازه معمولی نبوده زیرا وارد شده: «ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرًا يَسِيرًا مِنْهُ وَأَزْحَى عَيْنُهُ وَبَكَى ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خُلُقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا بِرَسُولِكَ وَكُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ فَصَاحَ وَقَالَ يَا ابْنَ سَعْدٍ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي فَتَقَدَّمَ نَحْوَ الْقَوْمِ؛ امام علیه السلام نظر نومیدانه‌ای به فرزند افکند و چشمان مبارکش فرو هشت و بگریست. سپس فرمود: خداوند! گواه باش، جوانی به جنگ و مبارزت شتافته که شبیه‌ترین مردم از نظر خلقت و خلق و منطق به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد. هرگاه اشتیاق زیارت پیامبرت را می‌یافتم او را می‌نگریستم. بعد فریاد زد و فرمود: ای پسر سعد خدا رحمت را قطع کند آن گونه که قطع رحم کردی» (همان).

بنابر توصیف امام حسین علیه السلام در زمان اعزاز حضرت علی اکبر علیه السلام شبیه‌ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله از لحاظ خلُقاً (چهره)، خُلُقاً (اخلاقی) و منطقاً (نوع صحبت کردن) معرفی شده است. حتی مقاتل می‌نویسند، امام حسین علیه السلام در حالی جناب علی اکبر علیه السلام را عازم میدان کرد که سربه پایین انداخته و چشماش پر از اشک بود و گریه کرد (قمی، ۱۳۷۹: ۲۷۹؛ موسوعه الامام الحسین، ۱۳۷۸: ۴ / ۴۸؛ عطاردی قوچانی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۰۰؛ بهبهانی، ۱۴۰۸: ۴ / ۳۲۹؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۵۱؛ حسینی حائری، بی‌تا: ۲۶۱).

در برخی منابع آمده است، امام حسین علیه السلام با دستان مبارک خود، لباس جنگ بر فرزندش پوشانید، به ایشان سپرداد، برایش طلب آموزش کرد و کمربندی را که از دست پدرش امیرالمومنین گرفته بود و به کمر ایشان بسته بود، سفت کرد و او را سوار بر اسب

کرد (سپهر، ۱۴۲۷: ۲/ ۴۳۶؛ موسوعه الامام الحسين، ۱۳۷۸: ۱۲/ ۱۱۱۴). سپس با پدرش امام حسین علیه السلام و اهل حرام و همه بنی هاشم وداع گفت و به سوی میدان رفت (موسوعه الامام الحسين، ۱۳۷۸: ۱۲/ ۱۱۱۴).

نبرد حضرت علی اکبر علیه السلام

آن جوان، با افتخار به میدان جنگ رفت در حالی که هیچ ترس و هراسی در دل نداشت. او هیبت پیامبر صلی الله علیه و آله، شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام و دلیری حمزه و بزرگ منشی حسین علیه السلام را با خود داشت. آنگاه در میان نیزه‌ها و شمشیرهای دشمنان قرار گرفت در حالی که با عزت و تصمیم، در حمایت از دین خدا، رجز می‌خواند (قرشی، ۱۴۲۲: ۳/ ۲۹۳).

مقتل نویسان برای ایشان رجزهای مختلفی ذکر کرده‌اند:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
وَاللَّهُ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعْيِ^۱

در کتاب سوگ / امیرآزادی چنین ترجمه شده است: من علی هستم، فرزند حسین؛ نیای گرانقدرم امیرمؤمنان است. به پروردگار کعبه سوگند که ما از همگان به پیامبر خدا نزدیک‌تریم. به خدای سوگند که پسر بی‌ریشه و تبار، نمی‌تواند بر ما به میل خود حکم براند و با ستم و بیداد ما را فرمانبردار خویش سازد (ابن‌نما، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

در کتاب‌های دیگر نقل می‌کنند، حضرت علی اکبر علیه السلام روانه میدان شد و این رجز را خواند:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
أَطْعَمْنَاكُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّىٰ يَنْثَنِي أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمَىٰ عَن أَبِي
ضَرَبَ غُلَامٌ هَاشِمِيٌّ عَرَبِيٌّ وَاللَّهُ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعْيِ

۱. من علی‌ام، پسر حسین بن علی / به پروردگار کعبه که ما به پیمبر نزدیک‌تریم / به خدا پسر بی‌پدر دربارۀ ما حکم نکند (ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶: ۶۸؛ ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۲؛ طبری، بی‌تا: ۵/ ۴۴۶؛ موسوعه الامام الحسين، ۱۳۷۸: ۴/ ۵).

من علی، پسر حسین، بن علی هستم به کعبه سوگند که ما به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سزاوارتریم / آن قدر با نیزه بر شما می‌زنم که خم شود با شمشیر شما را می‌زنم و از پدرم حمایت می‌کنم / شمشیر زدن جوانی هاشمی و عربی به خدا سوگند فرزند ناپاک (پسر زیاد) درباره ما حکم نراند (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳ / ۷۳؛ شاوی، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۶۳). آن جناب در میدان در حالی که تشنه بود، یکصد و بیست نفر را کشت (اخطب خوارزم: ۲ / ۳۵؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲ / ۵؛ شاوی، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۵۹).

عطش و بازگشت دوباره به میدان

یکی از موضوعات مهم و جانسوز مرتبط با حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام در واقعه کربلا، بحث تشنگی ایشان بود که چنان عطش بر حضرت فشار آورد که مجبور شد به سمت خیمه برگردد و از امام عَلَيْهِ السَّلَام طلب آب کند. مقتل نویسان به اتفاق این مطلب را با کمی تفاوت بایکدیگر نقل کرده‌اند.

ابتدا کلام حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام را در برخی از مقاتل و منابع مختلف بیان می‌کنیم:
 اللهموف می‌گوید، عطش بر حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام غالب شد و به سمت خیمه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام برگشت و به امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «يَا أَبَتِ الْعَطْشُ قَدْ قَتَلَنِي وَثِقُلُ الْحَدِيدِ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَى شَرْبَةٍ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ؛ پدر جان، تشنگی مرا کشته، و سنگینی آهن - سلاح - توان را از من برده، آیا شربت آبی به هم می‌رسد؟» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳).
 در *إبصار العين* با اندکی تفاوت این‌گونه آمده: «يَا أَبَتِ، العطش قد قتلني، و ثقل الحديد قد أجهدني؛ پدر جان، تشنگی مرا کشته، و سنگینی آهن (سلاح) توان را از من برده» (سماوی، ۱۳۷۷: ۵۱).

مشیر *الأحزان* نقل نزدیک به *إبصار العين* را آورده: «يَا أَبَتِ الْعَطْشُ قَتَلَنِي وَثِقُلُ الْحَدِيدِ قَدْ أَجْهَدَنِي؛ پدر جان! تشنگی مرا می‌کشد و گرانی و سنگینی سلاح مرا به رنج افکنده و توانم را به پایان می‌برد» (ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹).

در برخی منابع دلیل آب خواستن حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام، علاوه بر رفع عطش و تشنگی؛ تقویت و قوی شدن در برابر دشمنان ذکر شده است: «أَتَقَوَّى بِهَا عَلَى الْأَعْدَاءِ» (نک).

اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲/۳۵؛ شاوی، ۱۳۸۶: ۴/۳۵۹؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲/۳۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۴۳).

شاید این سؤال مطرح شود که مقصود از «ثقل الحديد أجهدي» در کلام حضرت علی اکبر علیه السلام چیست؟ احتمال دارد، مقصود از ثقل الحديد، کثرت لشکر دشمن و رنجی که از آنها برده، باشد زیرا آن حضرت در میان شهداء در کثرت حمله امتیاز دارد تا آنجا که راوی درباره او گفته: چند بار بر لشکر حمله کرد و جمع بسیاری از آنها کشت و شیون لشکر از فزونی کشتگان خود بلند شد. در یکی از تواریخ است که دوازده بار حمله کرد، تعبیر از لشکر به آهن شایع و معروف است و کلام شیخ کشی درباره حبیب بن مظاهر آن است که حبیب از آن هفتاد کس بود که یاری کردند و با کوه های آهن برخورد نمودند (قمی، ۱۳۸۱: ۸۶۹).

امام حسین علیه السلام در پاسخ به طلب آب توسط فرزندش، گریه کرد و کلمات جانسوزی را بیان فرمود: «وَأَعُوذُ يَا بُنَيَّ قَاتِلَ قَلِيلًا فَمَا أَسْرَعَ مَا تَلَقَى جَدَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَسْقِيكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرْبَةً لَا تَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ امان از تنهایی و بی یآوری! پسرم علی! دلیرانه به میدان جهاد و دفاع بازگرد که بزودی جد گرانقدر و بزرگوارت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دیدار خواهی کرد و او با جام لبریز از آب گوارا تو را سیراب خواهد ساخت و پس از آن هرگز تشنه نخواهی شد» (ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۵۱؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳).

در برخی از مقاتل ماجرای «انگشتر به دهان حضرت علی اکبر علیه السلام کردن و مکیدن زبان توسط امام علیه السلام» را این گونه نقل کرده اند: «يَا بُنَيَّ! عَزَّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ، وَعَلِيٌّ عَلِيٌّ، وَعَلِيٌّ أَبِيكَ، أَنْ تَدْعُوهُمْ فَلَا يَجِيبُونَكَ، وَتَسْتَعِيثُ بِهِمْ فَلَا يُعِيثُونَكَ، يَا بُنَيَّ هَاتِ لِسَانَكَ. فَأَخَذَ لِسَانَهُ فَمَضَّهْ! وَدَفَعَ إِلَيْهِ خَاتَمَهُ وَقَالَ: خُذْ هَذَا الْخَاتَمَ فِي فَيْكٍ، وَارْجِعْ إِلَى قِتَالِ عَدُوِّكَ، فَإِنِّي أُرْجُو أَنْ لَا تَمْسِيَ حَتَّى يَسْقِيكَ جَدُّكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرْبَةً لَا تَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ فرزندم! بر پیامبر و علی علیه السلام و بر پدرت سخت است که آنان را بخوانی و نتوانند جوابت دهند و استغاثه نمایی و نتوانند کمکت کنند. آن گاه فرمود: زبانت را بیاور و زبان او را مکید و انگشترش را به او داد و فرمود: آن را در دهانت بگذار و به نبرد دشمن بازگرد. امیدوارم به زودی با جام پر آب جدت سیراب شوی. نوشیدنی که هیچ گاه بعد از آن

تشنگی نیست» (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲/۳۵؛ حائری، ۱۴۱۸: ۲/۳۱۲؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲/۵؛ شاوی، ۱۳۸۶: ۴/۳۵۹).

این سؤال مطرح می‌شود که علت کار امام حسین علیه السلام چیست؟ چرا آن حضرت زبان علی اکبر علیه السلام را مکید و انگشترش را به او داد تا برده‌ها بگذارد؟ در پاسخ گفته‌اند: امام حسین علیه السلام زبان علی اکبر علیه السلام را در کام گرفت تا به او بفهماند و بگوید، کام وی از کام او خشک‌تر است و با این همدردی او را تسکین دهد، ولی ممکن است منظور حسین علیه السلام این بوده که در این دم آخر او را به حقایق آگاه کند که درجات معنوی او ارتقاء یابد، چنانچه در حدیث آمده است: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین دم زندگانی، علی علیه السلام را در زیر بستر خود خواست و زبان در کام او نهاد و به او حقایق آموخت که هزار هزار باب علم بود (قمی، ۱۳۸۱: ۳۸۹).

شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام

پس از گفت‌وگوی علی اکبر علیه السلام با امام حسین علیه السلام، ایشان دوباره برای مبارزه وارد میدان می‌شود و این رجز را می‌خواند:

أَلْحَرْبُ قَدْ بَأَتْ لَهَا حَقَائِقُ وَ ظَهَرَتْ مِنْ بَعْدِهَا مَصَادِقُ
وَاللَّوْرِبِ الْعَرْشِ لَا نَفَارِقُ جُمُوعَكُمْ أَوْ تُغَمَدَ الْبَوَارِقُ

«حقایق جنگ آشکار شده و نمونه‌های آن ظهور کرده است / به خدا سوگند که شما را رها نخواهیم کرد تا شمشیرهایتان را غلاف کنید» (نک. شاوی، ۱۳۸۶: ۴/۳۶۰؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۵/۱۱۵؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲/۵؛ اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲/۳۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۱۰۹؛ بدایع نگار، ۱۳۷۴: ۱۹۲). منظور حضرت علی اکبر علیه السلام از ظهور «مَصَادِق»، تحقق کشته شدن جماعتی از دشمن در میدان کارزار و جنگ است (مجلسی، ۱۳۸۹: ۹۸۹).

حضرت علی اکبر علیه السلام بعد از بازگشت به میدان نبرد، بزرگترین قتال و مبارزه را به راه انداخت (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳). تا اینکه توسط یکی از افراد دشمن از پای درآمد و به شهادت رسید.



در مقاتل و منابع تاریخی برای اسم قاتل حضرت علی اکبر علیه السلام، سه ضبط مختلف آورده شده است. برخی نام او را مُنْقِذُ بِنِ مُرَّةِ الْعَبْدِيِّ ذکر کرده‌اند (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳؛ بدایع نگار، ۱۳۷۴: ۱۹۲). برخی دیگر همچون نگارنده کتاب *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، به صورت منقذ بن النعمان العبدی آورده‌اند (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲ / ۸۴۵). برخی دیگر نیز نام او را مُرَّةُ بِنِ مُنْقِذِ بِنِ التُّعْمَانِ الْعَبْدِيِّ ذکر کرده‌اند (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۲؛ طبری، بی تا: ۵ / ۴۴۶؛ ابن حیون، ۱۴۰۹: ۳ / ۱۷۷؛ حسینی حائری، بی تا: ۲۶۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۷۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴ / ۷۴). به نظرمی رسد با توجه به فرازی از زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام، که آمده: «قَاتِلِكَ مُرَّةُ بِنِ مُنْقِذِ بِنِ التُّعْمَانِ الْعَبْدِيِّ - لَعْنَةُ اللَّهِ وَ أَخْرَاهُ وَ مَنْ شَرِكُهُ فِي قَتْلِكَ؛ خدا قاتل تومره بن منقذ بن نعمان عبدی و کسانی را که همراه او در قتل تو شرکت کردند و علیه تو تلاش نمودند لعنت کند»، نام قاتل مُرَّةُ بِنِ مُنْقِذِ بِنِ التُّعْمَانِ الْعَبْدِيِّ است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۸؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳ / ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ / ۹۸ / ۲۶۹).

برخی فائند مُرَّةُ بِنِ مُنْقِذِ با شمشیری برفرق حضرت علی اکبر علیه السلام زد که حضرت از آن ضربت بی طاقت گشت و دیگران شمشیرها بر او کشیدند (اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۵؛ شامی، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۶۰؛ بدایع نگار، ۱۳۷۴: ۱۹۲؛ حائری، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۱۲) و در برخی مقاتل آمده است، علی اکبر علیه السلام با پرتاب تیری از پای درآمد (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹). حتی بنا بر نقلی تیر به گلوی مبارک حضرت هم اصابت کرد (شیر، ۱۴۰۹: ۱ / ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۴۵). بعد از ضربه قاتل، یکی از مصیبت‌های بزرگ عاشورا رقم خورد و دشمن، حضرت علی اکبر علیه السلام را محاصره کردند، با شمشیر بر جسم مبارک حضرت حمله ور شدند (ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۰۶؛ شامی، ۱۴۲۰: ۵۵۵؛ ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۳) و بدن مبارک را با شمشیر قطعه قطعه (اربا اربا) کردند (بهبهانی، ۱۴۰۸: ۴ / ۳۳۱؛ اخطب خوارزم، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۶، ۱۵۸؛ حسینی حائری، بی تا: ۲۶۱؛ حائری، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۱؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۲ / ۶؛ مقرم، ۱۴۲۶: ۲۷۱). در این لحظات بود که پدر بزرگوارش، امام حسین علیه السلام را صدا زد و فرمود: «... عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ عَجَلِ الْقُدُومِ عَلَيْنَا ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً ...؛ پدرم سلام بر تو اینک

جدم است که بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید هر چه زودتر نزد ما بیا پس فریادی زد بر آورد و مرغ روحش از قفس تن پرواز نمود و به شهادت رسید» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۳؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۷ / ۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۲۸۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۴۵).

عزاداری بر شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام

هنگامی که امام حسین علیه السلام صدای علی اکبر علیه السلام را شنید، خود را به معرکه رساند. صورت بر صورت فرزند گذاشت «وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۴؛ قمی، ۱۳۷۹: ۲۸۲؛ شبیر، ۱۴۰۹: ۱ / ۲۷۶)، ناله و گریه کرد (بدایع نگار، ۱۳۷۴: ۱۹۳). حتی بنا بر نقلی امام علیه السلام وقتی بالای سر حضرت علی اکبر علیه السلام رسید، فریاد زد و در حالی که به او نگاه می‌کرد؛ گریه می‌کرد (فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۶ / ۲). سپس فرمود: «قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى أَنْتِهَآكِ حُرْمَةَ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ؛ خداوند بکشد قومی را که تو را کشتند، چه چیز آنها را بر خدا و بر دریدن حرمت رسول الله صلی الله علیه و آله جری کرده، بعد از تو توفیر دنیا» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۴؛ ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۴۳؛ بدایع نگار، ۱۳۷۴: ۱۹۳؛ طبری، بی تا: ۵ / ۴۴۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۵؛ شای، ۱۳۸۶: ۴ / ۳۶۱؛ سماوی، ۱۳۸۸: ۲۷۴؛ حسینی حائری، بی تا: ۲۶۱؛ فرهاد میرزا، ۱۳۸۱: ۶ / ۲؛ موسوعه الامام الحسين، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۵۸۴؛ حائری، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۱۳؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۶۹). یکی دیگر از صحنه‌های جانسوز کربلا بعد از شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام، مشاهده ماجرای تلخ و سخت توسط اهل حرم و بانوان بود. راوی گوید: حضرت زینب علیه السلام از خیمه بیرون آمده و با مشاهده این صحنه فریاد زد: ای حبیب من. ای برادرزاده ام و آمد و خود را بر جسد او افکند. که امام حسین علیه السلام آمد و او را سوی زنان بازگردانید (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۴-۱۱۵).

شاید علت آمدن حضرت زینب علیه السلام بر سر نعش علی اکبر علیه السلام به خاطر دو نکته باشد: الف) به جهت دلداری، تسلی و حفظ امام علیه السلام بوده است و گویا ماندن طولانی امام علیه السلام بر بالین فرزندش، حضرت زینب علیه السلام را نگران کرده که مبادا بر بالین نعش فرزندش

جان داده باشد.

ب) به علت کثرت محبت به علی اکبر علیه السلام بوده است. به مناسبت علاقه مفراط زنان حرم به او، حضرت دستور داد نعش او را به خیمه‌ها آوردند که در دسترس آنها باشد (قمی، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

نتیجه

مقاله حاضر به بازشناسی تاریخی زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام در متون تاریخی و مقاتل پرداخته است. نتایج این بازشناسی نشان می‌دهد که برای ایشان خصوصیات و ویژگی‌هایی همچون شباهت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حسن، جمال، فضل، کرامت و اعجاز بیان شده است. در ارتباط با تاریخ ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد. اما مقتل مقرر، ولادت او را یازدهم شعبان سال ۳۳ هجری آورده است. درباره ازدواج ایشان برخی قائل به عدم ازدواج و برخی قائلند ازدواج کرده و صاحب نسل است. اما از روایات و زیارات استفاده می‌شود که ایشان ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز بوده است. از نقش‌های مهم حضرت علی اکبر علیه السلام در واقعه کربلا، موضوع تبیین نهضت حسینی در جهت روشن کردن افکار عمومی، به اثبات حقانیت امام حسین علیه السلام و قیام حسینی است. در اینکه اولین شهید کربلا از خاندان اهل بیت علیهم السلام چه کسی است دو نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد، با تصریح بیشتر مقتل نویسان و فرازی از زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام، ایشان اولین مقتول و شهید کربلا باشد. یکی از وقایع تلخ واقعه کربلا، بحث تشنگی حضرت علی اکبر علیه السلام بود. چنان عطش بر حضرت فشار آورد که ایشان مجبور شد به سمت خیمه برگردد و از امام علیه السلام طلب آب کند. حضرت ایشان را تسکین و دل‌داری داده و دوباره عازم میدان شدند. به نظر می‌رسد با توجه به فرازی از زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام، نام قاتل ایشان مُرَّةَ بْنِ مُنْقِذِ بْنِ التُّعْمَانِ الْعَبْدِيِّ است که با ضربه او دیگران به ایشان حمله و هجوم آوردند و بدن مبارک را با شمشیر قطعه قطعه کردند.

منابع

- قرآن كريم.
- ابن اثير جزري، مبارك بن محمد (١٣٦٧)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
- ابن اثير، عز الدين أبو الحسن علي بن ابي الكرم المعروف (١٣٨٥)، *الكامل في التاريخ*، بيروت، دار صادر.
- ابن حيون، نعمان بن محمد (١٤٠٩)، *شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ابن رسان، فضيل (١٤٠٦)، *تسمية من قتل مع الحسين عليه السلام*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- ابن سعد، محمد (١٤١٤)، *الطبقات الكبرى*، طائف - عربستان، مكتبة الصديق.
- ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (١٣٧٩)، *مناقب آل أبي طالب عليه السلام*، قم، علامه.
- ابن صباغ، علي بن محمد (١٤٢٢)، *الفصول المهمة في معرفة الأئمة*، قم، مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث.
- ابن طاووس، علي بن موسى (١٣٤٨)، *التهوف على قتلى الطفوف*، ترجمه فهری، تهران، جهان.
- _____ (١٣٧٦)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، قم، دفتر تبليغات اسلامي.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦)، *كامل الزيارات*، نجف اشرف، دار المرتضوية.
- ابن مشهدي، محمد بن جعفر (١٤١٩)، *المزار الكبير*، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
- ابن نما حلي، جعفر بن محمد (١٤٠٦)، *مشير الأحزان*، قم، مدرسه امام مهدي.
- ابن اعثم كوفي، محمد بن علي (١٤١١)، *الفتوح*، بيروت - لبنان، دار الأضواء.
- ابن نما، جعفر بن محمد (١٣٨٠)، *در سوگ امير آزادي*، قم، نشر حاذق.
- ابو الفرج اصفهاني، علي بن حسين (١٤١٩)، *مقاتل الطالبين*، بيروت - لبنان، مؤسسة

الأعلمى للمطبوعات.

- ابو مخنف كوفى، لوط بن يحيى (١٤١٧)، وقعة الطّف، قم، جامعه مدرسين.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (١٣٨١)، مقتل الحسين عليه السلام، قم، أنوار الهدى.
- امين، محسن (١٤٠٣)، أعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.
- آقابزرگ تهرانى، محمد محسن (١٤٠٣)، الدرعية إلى تصانيف الشيعة، به كوشش احمد بن محمد حسيني، بيروت - لبنان، دارالأضواء.
- آقاتهرانى، مرتضى (١٣٨٥)، ياران شيداى حسين بن على عليه السلام، قم، نشر باقيات.
- بحراني، سيد هاشم (١٤١٣)، مدينة معاجز الأئمة الاثنى عشر ودلائل الحجج على البشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- بدايع نكار، محمد ابراهيم بن محمد مهدي (١٣٧٤)، فيض الدموع، قم، هجرت.
- بهبهانى، محمد باقر بن عبدالكريم (١٤٠٨)، الدمعة الساكبة فى أحوال النبى «ص» والعترة الطاهرة، منامه - بحرين، مكتبة العلوم العامة.
- تهرانى، سيد محمد حسين (١٤٢٩)، روح مجرد، مشهد، انتشارات علامه طباطبايى.
- جعفرىان، رسول (١٤٢٣)، حيات فكرى وسياسى امامان شيعه عليه السلام، قم، انصارىان.
- حافظ، شمس الدين محمد (١٣٧٩)، ديوان حافظ شيرازى، تصحيح محمد قزوينى و قاسم غنى، تهران، جمهورى.
- حائرى، محمد بن ابى طالب (١٤١٨)، تسليية المجالس وزينة المجالس الموسم ب«مقتل الحسين عليه السلام»، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حسيني حائرى شيرازى، عبدالمجيد بن محمد رضا (بى تا)، ذخيرة الدارين فيما يتعلق بمصائب الحسين عليه السلام وأصحابه، قم، زمزم هدايت.
- حسيني موسى، محمد بن أبى طالب (١٤١٨)، تسليية المُجالس وزينة المُجالس (مقتل الحسين عليه السلام)، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حسيني زبيدى، محمد مرتضى (١٤١٤)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر.
- حميرى، عبد الله بن جعفر (١٤١٣)، قرب الإسناد (ط - الحديثة)، قم، مؤسسة آل

البيت عليه السلام.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۳)، الأخبار الطوال، قم، الشریف الرضی.
- سپهر، محمد تقی بن محمد علی (۱۴۲۷)، ناسخ التواریخ، قم، مدين.
- سماوی، محمد (۱۳۷۷)، إِبصار العین فی أنصار الحسین عليه السلام، قم، مرکز الدراسات الإسلامية لممثلية الولی الفقیة فی حرس الثورة الإسلامية.
- _____ (۱۳۸۸)، سلاحشوران طف، قم، انتشارات زائر.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰)، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللھامیم، قم، جامعہ مدرسین.
- شاوی، علی (۱۳۸۶)، مع الרכب الحسینی من المدینة إلى المدینة، قم، تحسین.
- شبر، جواد (۱۴۰۹)، أدب الطف، بیروت - لبنان، دار المرتضی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰)، المنار، قم، مدرسه امام مهدی.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ الطبری، بیروت - لبنان، [بی نا].
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳)، دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)، قم، بعثت.
- _____ (۱۴۲۷)، نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام، قم، دلیل ما.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله (۱۳۷۶)، مسند الإمام الشهید أبی عبد الله الحسین بن علی علیهما السلام، تهران، عطارد.
- علوی، نجم الدین ابوالحسن علی بن ابی الغنائم محمد عمری (معروف به ابن صوفی) (۱۴۲۲)، المعجذی فی أنساب الطالبیین، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- فرهاد میرزا قاجار (۱۳۸۱)، القمقام النخار والصمصام البتار، قم، المكتبة الحیدریة.
- قرشی، باقر شریف (۱۴۲۲)، زندگانی حضرت امام حسین عليه السلام، ترجمه سید حسین محفوظی اهوازی، قم، بنیاد معارف اسلامی.

- قمی، عباس (۱۳۷۹)، *نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم*، قم، المكتبة الحیدریة.
- _____ (۱۳۸۱)، *ترجمه نفس المهموم، در کربلا چه گذشت؟*، ترجمه محمد باقر کمره ای، قم، مسجد مقدس جمکران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۹)، *محن الأبرار*، تهران، آرام دل.
- _____ (۱۳۸۲)، *جلاء العیون*، قم، سرور.
- _____ (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۷۶)، *فرهنگ عاشورا*، قم، نشر معروف.
- محلی، حسام الدین حمید بن احمد (۱۴۲۳)، *الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة*، یمن - صنعا، مكتبة بدر.
- مصعب بن عبد الله (۱۹۹۹م)، *کتاب نسب قریش*، مصر، دار المعارف.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران، زرین.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقرم، عبدالرزاق (۱۴۲۶)، *مقتل الحسین علیه السلام*، بیروت - لبنان، مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- *موسوعة الإمام الحسین علیه السلام = تاریخ امام حسین علیه السلام*، گروهی از نویسندگان (۱۳۷۸)، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

